

فصلنامه علمی - تخصصی

## مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی - تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع)

دوره دوم \* شماره ششم \* زمستان ۱۴۰۲



### معناشناسی «اجر» بر محوریت هم‌نشینی و جاننشینی در قرآن کریم

فرشته رفیعیان<sup>۱</sup>

زهره اخوان مقدمه<sup>۲</sup>

#### چکیده

معناشناسی نقش مهمی در فهم دقیق آیات الهی ایفا می‌کند. این علم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جاننشینی، از طریق بررسی شبکه معنایی و تحلیل کاربرد واژه‌ها در سیاق آیات، امکان دستیابی به معنای دقیق کلمات را فراهم می‌سازد. این مقاله با رویکرد به این دانش تدوین شده است. پرسش اصلی این است که واژه «اجر» در قرآن، بر اساس محورهای هم‌نشینی و جاننشینی، چه معنایی را در بر دارد؟ این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که واژه «اجر» به پاداش اخروی و دنیوی اشاره دارد و به معنای ثواب و پاداش در قبال عمل نیک و نیز اجرت در ازای کار دنیوی برای دیگران است. همچنین، در شکل فعلی، به معنای اجیر کردن و استخدام به کار می‌رود. واژه‌های هم‌نشین «اجر» در قرآن شامل «عظیم، کبیر، کریم و...» هستند. واژگان جاننشین آن نیز عبارتند از: «ثواب» و «خیر»؛ با این تفاوت که این واژگان برخلاف «اجر» به طور کلی در معنای پاداش و مجازات به کار می‌روند.

#### واژگان کلیدی

معناشناسی اجر، اجر، روابط هم‌نشینی، روابط جاننشینی، عمل صالح، اجرت و ثواب.

Email: Rafieean95@Gmail.com	۱. دانش‌آموخته تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم قرآنی تهران (نویسنده مسئول)
Orcid: 0003-0591-2300-4445	۲. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم قرآنی تهران.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰
استاددهی: رفیعیان، فرشته؛ اخوان مقدمه، زهره (۱۴۰۲). «معناشناسی «اجر» بر محوریت هم‌نشینی و جاننشینی در قرآن کریم»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۲، ش ۶، صفحات ۸۱-۱۰۸.	

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اعجاز بلاغی قرآن را می‌توان در انتخاب دقیق و هدفمند واژه‌ها مشاهده کرد. واژه‌های قرآن نه تنها با دقت و ظرافت انتخاب شده‌اند، بلکه به گونه‌ای به هم پیوسته‌اند که انسجامی ویژه و معنایی منسجم را در کل متن ایجاد می‌کنند. بررسی معناشناختی واژگان قرآن، با تمرکز بر روابط هم‌نشینی و جانشینی واژه‌ها، در تلاش است تا هماهنگی و انسجام معارف قرآنی را روشن کرده و ساختاری منظم و به هم پیوسته را به نمایش بگذارد؛ ساختاری که به فهمی دقیق و مصون از تفسیر به رأی منجر شود.

در حوزه مطالعات معناشناختی قرآن، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است؛ اما بررسی معناشناختی واژه «اجر» کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تاکنون دو مقاله در این زمینه ارائه شده است: نخست، مقاله‌ای از «صدیقه باقری و مهدی مطیع» با عنوان «معنایی واژه اجر در اختتام آیات» که در «اولین همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی» در سال ۱۳۹۵ ارائه شده است. این مقاله، هرچند به تحلیل واژه «اجر» پرداخته، اما از روش‌های علمی و نظام‌مند معناشناسی بهره نبرده است. رویکرد مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و با توجه به پیوند معنایی میان مضمون آیات و عبارات پایانی آن‌ها، به دنبال بررسی معنای واژه «اجر» است. از میان ۱۰۸ مورد استفاده واژه «اجر» در قرآن، این مقاله تنها به ۴۳ موردی که در اختتام آیات آمده‌اند، پرداخته است و تنها به واژه‌های هم‌نشین توجه کرده است. بنابراین، ۶۵ کاربرد دیگر، شامل گونه‌های اسمی و فعلی و جانشین‌های آن‌ها، مورد بررسی قرار نگرفته است.

مقاله دوم، با عنوان «وجوه معنایی اجر در قرآن کریم با تکیه بر معناشناسی تاریخی»، نوشته «سید محمود طیب حسینی، محمدحسین شیرزاد و محمدحسن شیرزاد» است. این مقاله به بررسی واژه «اجر» از منظر تاریخی پرداخته، اما تمرکز اصلی آن بر معناشناسی هم‌نشینی و جانشینی واژه‌ها بوده است.

در مجموع، هر دو مقاله با وجود ارائه دیدگاه‌هایی مفید، نتوانسته‌اند به‌طور جامع به معناشناسی کامل واژه «اجر» در قرآن بپردازند و نیاز به پژوهش‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر در این حوزه همچنان احساس می‌شود.



در این پژوهش تلاش داریم به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:  
بر اساس هم‌نشینی، کدام واژگان با «اجر» در قرآن کریم هم‌نشین هستند؟  
بر اساس جان‌نشینی، کدام واژگان به جای «اجر» در قرآن کریم به کار رفته‌اند؟  
این تحقیق با هدف بررسی معنای «اجر» و با استفاده از روش «معناشناسی» انجام شده است.

## ۱. چستی معناشناسی و جایگاه آن در مطالعات قرآنی

اصطلاح «Semantics» از واژه‌های نو افزوده به زبان انگلیسی است گرچه در قرن ۱۷ در عبارت Semantick philosophy، به واژه Semantics در مفهوم «پیشگویی» اشاره شده، ولی این اصطلاح نخستین بار در سال ۱۸۹۴ در مقاله‌ای «Reflected meaning: a point (in semantics)»: «معنای منعکسه: نکته‌ای در معنی‌شناسی» که به انجمن زبان‌شناسان آمریکا ارائه شد، مطرح شد (پالمر، ۱۳۶۶: ۱۳-۱۵).

معنا جریانی جهت‌دار است و قائل شدن معنا برای چیزی، در نظر گرفتن جهتی برای آن است (شعیری، ۱۳۸۸: ۷)، آنچه در معناشناسی، معنا نامیده می‌شود، مصداقی است که در جهان خارج وجود دارد و یا مفهومی است که بر حسب مصداق‌ها، به صورت نوعی تصور در ذهن سخن‌گویان زبان انباشته شده است (صفوی، ۱۳۹۵: ۲۰)، نظریه‌های معناشناسی، متن یا کلام را مجموعه‌ای معنا دار می‌دانند که می‌توان به مطالعه و درک آن پرداخت. راه پیشنهادی معناشناسی برای دستیابی به چنین مجموعه‌های معناداری، در نظر گرفتن ابعاد یا سطوح گوناگون برای متن است (شعیری، ۱۳۸۸: ۶).

مقصود از معناشناسی، مطالعه علمی معنا است، پدیده معنا علوم مختلف انسانی را به خود مشغول داشته است. تاریخ، روان‌شناسی، قوم‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم دیگر هر یک به نحوی با مسئله معنا و مطالعه آن در ارتباط هستند. به طور کلی، هر علمی که انسان با آن سروکار دارد، به نحوی با معناشناسی مرتبط است (نعیم امینی، ۱۳۸۸: ۱۰).

معناشناسی از منظر زبان‌شناسی، دانشی است که به بررسی معنا می‌پردازد و یا شاخه‌ای است که به بررسی شرایط لازم در رمز می‌پردازد تا قادر به حمل معنا باشد (مختار عمر، ۱۳۸۶: ۱۹) معناشناسی علمی است که با نمود معنا در گسترده‌ترین معنای آن کلمه سر و کار دارد؛

معنای چندان وسیع که تقریباً هر چیز دارنده معنا می‌تواند عنوان موضوعی از معناشناسی پیدا کند (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۲-۳). یکی از بهترین و کامل‌ترین روش برای بررسی متن، معناشناسی است (سبزیان م، ۱۳۸۸: ۴۴۰). در دانش معناشناسی، معنا درون نظام زبان بررسی می‌شود (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۲۹).

معناشناسی واژگان در فرهنگ اسلامی پیشینه‌ای دیرینه دارد. از سوی دیگر، تفسیر آیات قرآن به واسطه خود قرآن در میان مفسران و متکلمان اسلامی روشی شناخته‌شده و رایج است. ترکیب این دورویکرد به این معناست که با بهره‌گیری از معناشناسی قرآنی، تا حد ممکن به مفاهیم و تصورات کلیدواژه‌هایی که جزء عناصر جهان‌بینی قرآن هستند، دست یابیم. این روش توسط برخی محققان اسلام‌شناس، از جمله توشیهیکو ایزوتسو، مورد استفاده قرار گرفته است. متدولوژی ایشان بر تبیین معانی قرآن از طریق خود قرآن، با بهره‌گیری از اصول زبان‌شناسی، استوار است (صادقی، ۱۳۹۵: ۷-۲۷).

## ۲. بسامد قرآنی «اجر» در قرآن کریم

ماده «اجر» و مشتقات آن ۱۰۸ بار در ۳۹ سوره و ۹۹ آیه به‌کاررفته که از این میان ۱۰۶ بار به‌صورت اسمی و دو بار هم به‌صورت فعلی تکرار شده است.

تعداد	واژه	نوع	تعداد
۱	أَجْر	جامد مصدری	۱۰۶
۲	اسْتَأْجِرُهُ / اسْتَأْجَرَتْ	فعل امر / فعل ماضی «باب استفعال»	یک‌بار «قصص: ۲۶»
۳	تَأْجِرُنِي	فعل مضارع ساده	یک‌بار «قصص: ۲۷»

جدول شماره ۱

ذکرهمه‌ی انواع «اجر» و تعداد آن‌ها

## ۳. معنای «اجر» در قاموس‌های لغت

برای آغاز معناشناسی یک واژه، نخستین گام، درک معنای ریشه‌ای آن است که این کار با بررسی

منابع لغوی، به‌ویژه معجم‌های عربی انجام می‌شود. ماده «أجر» و تمامی مشتقات و کاربردهای قرآنی و غیرقرآنی آن، به‌طور مفصل در کتاب‌های لغت تبیین شده است. با این حال، در این بخش به‌منظور جلوگیری از طولانی شدن بحث، به توضیح مختصری از آن بسنده می‌شود. واژه «أجر» در منابع لغوی به معنای پاداش و جزای عمل آمده است. خلیل‌بن احمد فراهیدی (۱۴۱۴: ۱۲/۶) آن را به معنای «جزای عمل»، ابن‌منظور (۱۴۱۴: ج ۴، ص ۱۰) به معنای «پاداش و ثواب»، و قرشی بنایی (۱۴۱۲: ۱/۲۵) به معنای «پاداش، ثواب و مزدی که در ازای عمل نیکو به‌عامل داده می‌شود» ذکر کرده‌اند.

#### ۴. معنایابی (اجر) بر اساس روابط هم‌نشینی

منظور از روابط هم‌نشینی، ارتباط معنایی و پیوستگی یک کلمه با سایر کلمات درون نظام زبانی می‌باشد. در این بررسی باید دید که هرکلمه با کدامیک از کلمات دیگر زبان رابطه هم‌نشینی دارد. به این رابطه، رابطه نحوی نیز می‌گویند (باقری، ۱۳۷۶: ۲۳۱) رابطه هم‌نشینی براساس روابط اجزای متن است (همان، ۳۷۵). در سیستم هم‌نشینی، ارتباط بین عوامل زبانی از نوع پیوسته یا ترکیبی است و هر عامل در مجاور عامل دیگر قرار می‌گیرد به همین دلیل در فرایند هم‌نشینی زبانی از حضور همه عوامل زبانی در کنار یکدیگر ضروری است و امکان حذف هیچ یک از عوامل زبانی نیست. با تأمل در آیاتی که ماده «اجر» و مشتقات آن را در خود با تعدادی از مفاهیم و واژگان مواجهه هستیم که با این واژه هم‌نشین شده و برای تفهیم بهتر در دو دسته ساختار اسمی و فعلی بررسی می‌گردد.

اینک به هجده هم‌نشین «اجر» اشاره می‌شود.

##### ۴-۱. هم‌نشینی «اجر» با ساختار اسمی

در بررسی روابط معنایی هم‌نشینی به‌منظور دست‌یافتن به مراد الهی از «اجر»، با توجه به کثرت و تعداد واژگان و مفاهیم هم‌نشین با آن و مشتقاتش و با در نظر گرفتن مجال محدود پژوهش، به بررسی نظر برخی از مفسران پرداخته می‌شود.

ردیف	عبارت قرآنی	نوع	تعداد
۱	«أَجْرَ عَظِيمٍ»	صفت	۲۰
۲	«أَجْرٍ كَبِيرٍ»	صفت	۵
۳	«أَجْرٍ كَرِيمٍ»	صفت	۴
۴	«أَجْرٍ حَسَنًا»	صفت	۲
۵	«أَجْرٍ غَيْرِ مَمْنُونٍ»	تمیز	۴
۶	«أَجْرٍ غَيْرِ حِسَابٍ»	تمیز	۱
۷	«أَجْرَ الْعَالَمِينَ»	مضاف الیه	۷
۸	«أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ»	مضاف الیه	۱
۹	«أَجْرَ الْمُصَلِحِينَ»	مضاف الیه	۱
۱۰	«أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»	مضاف الیه	۴
۱۱	أَجْرُهُمْ همراه با پسوند «عِنْدَ رَبِّهِمْ» و «أَجْرُهُ» و «أَجْرِي» با پسوند «عَلَى اللَّهِ»	شبه جمله	۹
۱۲	أَجْرٍ بَا «لَنَا» یا «يَتَّخِذُ»	مفعول به برای فعل در جمله	۴
۱۳	أَجْرًا «الْآخِرَةَ»	مضاف الیه	۲

### جدول شماره ۲

ذکر همه‌ی هم‌نشین‌های ساختاراسمی «اجر» و تعداد آن‌ها

۱-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «أَجْر» با صفت «عَظِيمٍ»

صفت عظیم از جمله صفاتی است که در قرآن کریم بیشترین همراهی را با مشتقات «اجر» داشته است. عظیم؛ بزرگ‌تر از هر چیزی (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۲/۲۲۸)، در مقابل حقیر به معنی برتری قدرت و ریاست معنوی یا مادی است، اگر صفت خدا باشد یعنی کسی که قدرت او فراتر از عقل به طوری که احاطه به ذات او قابل تصور نباشد (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۱۷/۶).

خداوند در سوره آل عمران در دو آیه، «تقوا» را با «اجر» هم‌نشین می‌کند از جمله: ﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرُّسُولِ ... لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أُولَئِكَ أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ برای نیکوکاران و تقوایندگان از کسانی که خدا و رسول را ... اجابت کردند، پاداشی بزرگ است﴾ (آل عمران: ۱۷۲).

﴿... فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورید و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود﴾ (آل عمران: ۱۷۹).

آیات فوق وعده پاداش عظیم را محصور کرده به کسانی که به دعوت خدا و رسول ایمان آوردند و به این علت است که پذیرفتن دعوت یک عمل صرفاً ظاهری است، و تنها نشانه مطابقتش با واقعیت، تقوا و احسان است که «أَجْرٌ عَظِيمٌ» هم براساس همین دو است و این نکته‌سنجی عجیب قرآن در کلام خود را می‌رساند و به ما می‌فهماند که خداوند چقدر مراقب بیانات خود است، در عین اینکه مطلب اینجا را به روشنی بیان می‌کند، مراقب است که بیانش با معارف دیگر مخالف نباشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۴/۴). بنابراین افرادی که احسان را به بهترین نحو به جا آوردند و تقوا را تا آخرین لحظه حفظ نمودند، مستحق «أَجْرٌ عَظِيمٌ» هستند. همان‌طور که در سوره طلاق آمده است: خداوند در آیه پنجم سوره طلاق مصداق دیگر بهره‌گیران «اجر عظیم» را تقوا دانسته که از دیدگاه مفسران تقوا یعنی پرهیز از گناهان کبیره که در پرتو آن گناهان صغیره پوشیده شده و تقوایندگان مشمول اجر عظیم می‌شوند. ﴿ذَلِكَ أَمْرٌ لِلَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا؛ آن احکام خداست که آن‌ها را به سوی شما نازل کرده است؛ و هر کس از خدا پروا کند، گناهانش را از او محو می‌کند و پاداش او را بزرگ می‌دارد﴾ (طلاق: ۵).

خداوند در سوره نساء وعده پاداش به تمام اعمال صالح داده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظِلُّهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يضاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا؛ یقیناً خدا هم وزن ذره‌ای [به احدی] ستم نمی‌کند، و اگر [هم وزن آن ذره] کار نیکی باشد، آن را دوچندان می‌کند، و از نزد خود پاداشی بزرگ می‌دهد﴾ (نساء: ۴۰).

صاحب تفسیر تسنیم می‌فرماید: «ممکن است مراد از «پاداش مضاعف»، پاداشی باشد از سنخ و جنس همان عمل او، و آن همان لذات موعود بهشتی است، و مراد از «أَجْرٌ عَظِيمٌ از نزد

خداوند»، پاداشی نه از سنخ عمل او، یعنی لذت لقاء الله و محو محبت و شناخت خدای تعالی شدن باشد. جمله «يُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا» بشارت به اجر لدنی و وعده به اجری است که جز به عظمت و صف شدنی نیست، پاداشی این گونه، از سنخ کارهای خیر و چند برابر کردن پاداش عمل خاص نیست، بلکه از سنخ معارف است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۸/۶۷۶). و در آیه بیستم سوره مزمل آمده است که عمل نیک و خیرتان را به صورت پاداشی بزرگ در نزد خداوند در یافت می کنید. «... وَمَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و آنچه را از عمل خیر برای خود پیش می فرستید، آن را نزد خدا به بهترین صورت و بزرگترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش خواهید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است» (مزمل: ۲۰) با بررسی این آیات مشخص شد که تقوا و عمل نیک دو عاملی هستند که منجر به دریافت «اجر عظیم» می شوند.

#### ۲-۱-۴. هم نشینی واژه «اجر» با صفت «کبیر»

صفت «کبیر»؛ از ریشه «کبر» است. به هر چیزی که بزرگی (فراهیدی، ۱۴۰۴: ۵/۳۶۱)، که مخالف آن کوچک است گفته می شود (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۵/۱۵۳). «کبیر» از جمله صفات و اسماء خداوند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰/۱۸)، به معنای صاحب کبریایی و بزرگ است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵/۱۲۵؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۶/۷۳).

خداوند در قرآن کریم از دو سرمایه بزرگ رستگاری انسان یاد می کند از جمله؛ صبر و خشیت که این دو واژه در کنار ایمان سبب بهره مندی از پاداش بزرگ می شوند.

«وَلَئِنْ أَدْفُنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورًا، إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ؛ و اگر پس از گزند و آسیبی که به او رسیده خوشی و رفاهی به او بچشانیم، قطعاً خواهد گفت: همه [گزندها و] آسیبها از فضای زندگی ام رفت [و دیگر آسیبی نمی بینم و] مسلماً در آن حال [که غافل از حوادث آینده است] بسیار شادمان و خودستا خواهد بود، مگر کسانی که [در خوشیها و آسیبها] شکیبایی ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند، اینانند که برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است» (هود: ۱۱-۱۰).

انسان هنگام سختی، کفران و ناسپاسی می کند و اگر نعمتی بعد از این سختی به او برسد

مغرور شده و از شکر نعمت‌های پروردگار غافل می‌شود. تنها افراد باایمان هستند که در برابر سختی‌های زندگی صبر پیشه کرده و در همه حال از اعمال صالح غفلت نمی‌کنند. کسانی هستند که به هنگام فراوانی نعمت، مغرور و به هنگام مصیبت کفران نمی‌کنند؛ و خداوند به آنان آمرزش و پاداش بزرگی خواهد داد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸۳/۵).

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحْسِنُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ بی‌تردید کسانی که در نمان از پروردگارشان می‌ترسند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است ﴿(ملک: ۱۲)﴾. توصیف اجر به بزرگی، اشاره‌ای به عظمت الطاف و مواهب الهی، و ابدیت و خلوص و دوام آن است، نه تنها در آخرت که در دنیا نیز قسمتی از این «اجر کبیر» عائد آن‌ها می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۱۵/۲۳). از بررسی آیاتی که با «اجر کبیر» اختتام می‌یابند این نتیجه به دست می‌آید که در آن‌ها بحث از ایمان و عمل صالح است، و در هر یک از این آیات با توجه به بافت آیه، صبر، انفاق و ترس از خدا در خفا موجب بهره‌مندی «اجر کبیر» می‌گردد.

### ۳-۱-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «اجر» با صفت «کریم»

کریم از ریشه «کرم» و بیشتر افعال به صورت جمع «فَعِيل» و «فَعُول» آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳۶۸/۵). کریم کسی است که نفس خود را از آلوده شدن به چیزی که مخالف خواست خداست بازدارد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۱۳/۱۲)، و برخی از ارباب لغت آن را به معنای «نقیس» و «عزیز» معنا کرده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۰۳/۶). هرگاه شیء با کریم همراه شود به معنی عزت در ذات خود شیء است مانند آیات ﴿كِتَابٌ كَرِيمٌ﴾ (نمل: ۲۹) و ﴿مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٌ﴾ (لقمان: ۱۰).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا... تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا﴾ ای اهل ایمان! خدا را بسیار یاد کنید، و ... درود و تحیت [خدا] بر آنان، روزی که با [پاداش و مقام قرب] او دیدار می‌کنند، سلام است، و [خدا] برای آنان پاداشی نیکو و باارزش آماده کرده است ﴿(احزاب: ۴۱-۴۴)﴾.

از آثار و برکات یاد خدا سوق به کمک به انسان‌ها نیازمند و رشد جامعه اسلامی است، و خداوند هم برای آنان پاداشی ارزشمند در نزد خود دارد مانند قرض دادن که برای پاداش آن از

اجر کریم یاد می‌شود: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ بی تردید مردان و زنان انفاق کننده و آنان که به خدا وام نیکو داده‌اند، [وامشان در پیشگاه خدا] برای آنان دوچندان شود، و برای آنان پاداش بارزشی است ﴿(حدید: ۱۱)﴾.

﴿إِنَّ الْمُضِدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ بی تردید مردان و زنان انفاق کننده و آنان که به خدا وام نیکو داده‌اند [وامشان در پیشگاه خدا] برای آنان دوچندان شود، و برای آنان پاداش بارزشی است ﴿(حدید: ۱۸)﴾.

تعبیر عجیبی است خدایی که بخشنده تمام نعمت‌هاست، و همه ذرات وجود ما از در یاب بی پایان فیض او بهره می‌گیرد و مملوک اوست، ما را صاحبان اموال شمرده، و در مقام گرفتن وام از ما برآمده، و برخلاف وام‌های معمولی که عین همان مقدار باز پس می‌دهند، او چندین برابر، بر آن اضافه می‌کند و علاوه بر این‌ها وعده «اجر کریم» نیز می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳/۳۲۱).

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ﴾ (احزاب: ۳۵) ده صفات را بر می‌شمارد که بادقت در آیه معلوم می‌گردد که این صفات به ترتیب از پایین‌ترین مرتبه (تسلیم) تا بالاترین مرتبه (ذکر) آمده است بدین منظور فردی به مرتبه «ذکر» می‌رسد که مراحل قبل از آن را طی کرده باشد و زمانی که به مرحله «ذکر» رسد مشمول «اجر کریم» می‌شود.

۴-۱-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «اجر» با صفت «حَسَن» و «حَسَنًا»  
واژه «حَسَن» از ریشه واژه «حسن» صفت است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲/۲۲۲)، صفتی به معنی زیبا و نیکو (قرشی، ۱۴۱۲: ۲/۱۳۶)، و در قرآن نیز در همین معنا استعمال شده است، مانند آیه ۳۷ آل عمران خدا می‌فرماید: ﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ﴾ پروردگارش او را پذیرفت پذیرشی نیکو ﴿جمع آن محاسن است (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳/۱۴۳)، و ضد آن قبیح است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲/۵۸)﴾.

آجرو پاداش نیک، در قبال انجام اوامر الهی و عمل صالح به افراد مؤمن داده می‌شود، نه

به‌صرف مؤمن بودن. همانطور که در قرآن آمده است؛ ﴿قِيَمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا﴾ [کتابی] است درست و استوار [و برپادارنده مصالح حیات انسان] تا از سوی خود [ستمکاران را] به عذابی سخت بیم دهد، و مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده دهد که برای آنان پاداشی نیکوست ﴿(کهف: ۲).

و «... فَإِن تَطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا...» پس اگر اطاعت کنید خدا پاداش نیکی به شما خواهد داد ﴿(فتح: ۱۶).

منظور از پاداش نیک، بهشت است (طوسی، بی تا: ۷/۷)، نیز خداوند ایمان را به‌صورت مطلق به‌کار نبرده بلکه آن را با عمل صالح مقید کرده است. نیز به اهل ایمان پرهیزکار که در مقام اطاعت و پیروی از برنامه مکتب قرآن برآمده نعمت‌های جاودان و خشنودی ساحت کبریائی را به آنان با اسم مژده «أجر حسن» می‌دهد (حسینی همدانی، ۱۴۰۱: ۱۰/۲۳۵). در آیات فوق که مشتمل بر صفت و موصوف «أَجْرٌ حَسَنًا» سخن از ایمان و عمل صالح است. نکته دیگر در آیه ۱۶ سوره فتح، اطاعت سبب بهره‌مندی «أجر حسن» معرفی کرده است. در واقع کسی که این سه ویژگی ایمان، عمل صالح و اطاعت را دارا باشد صاحب أجر نیکو می‌شود.

۵-۱-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «أجر» با تمییز «غیر مَمْنُون»

صفت «مَمْنُون» از ریشه «م ن ن» است (ابن‌فارس، ۱۳۹۹: ۵/۲۷۴)، درباره معنای «غیر مَمْنُون» چند وجه معنایی وجود دارد:

۱. پاداش بدون منت و اذیت؛ ۲. پاداش غیر مقطوع و جدانشدنی (فراهیدی، ۱۴۰۴: ۸/۳۷۴)؛ ۳. پاداش نامحدود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱/۷۷۷)؛ ۴. پاداش بدون نقصان و کمبود البته شایسته این است که لفظ برکل حمل شود چون شرط پاداش، دستیابی به کل است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۱/۱۰۶).

خداوند در آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ (فصلت: ۸) این‌گونه بیان می‌کند: «قطعاً کسانی که ایمان آورده و نیکوکار شدند برایشان پاداشی بی‌پایان است». هم‌چنین خداوند در سوره انشقاق می‌فرماید: ﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ،

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ؛ بلکه کافران همواره انکار هم می‌کنند! و خدا به آنچه [از انکار، کفر، نفاق، حسد و...] در دل خود جمع می‌کنند، داناتر است، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده، مگر آنان را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند که آنان را پاداشی جاودان و بی‌منت است ﴿(انشقاق: ۲۵-۲۲).

تعبیر «أجر غیر ممنون» در آیه ۴ بیان شده است که سه آیه خطاب به کسانی است که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که در آیه ۸ فصلت با توجه به آیه قبل ﴿الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾ (فصلت: ۷) مراد از ایمان، ایمان به آخرت و مراد از عمل صالح پرداخت زکات است، و در آیه ۲۵ انشقاق ایمان به معاد و معارف قرآن منظور است و آیه دیگر خطاب به پیامبر ﷺ، در مقام پاداش رسالت ایشان است.

۶-۱-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «أجر» با تعبیر «غیر حساب»

صفت حساب از ریشه «ح س ب» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۴۹/۳) به معنی شمردن است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱۲۷/۲؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۱۲۷/۲) نظارت و دقت به قصد تجسس و طلب که در فارسی به معنی رسیدگی است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۱۲/۲).

﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾؛ بگو: ای بندگان مؤمنم! از پروردگارتان پروا کنید. برای کسانی که در این دنیا اعمال شایسته انجام داده‌اند، پاداش نیکی است و زمین خدا گسترده است [بر شماست از سرزمینی که دچار مضیقه دینی هستید به سرزمینی دیگر مهاجرت کنید] فقط شکیبایان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند کرد ﴿(زمر: ۱۰).

خداوند در این آیه به صابران، پاداش و جزاء خیر و نیک وعده می‌دهد و معنا «توفیه أجر» آن است که آن را به‌طور تام و کامل بدهند. از این‌رو معنایش این است که صابران أجرشان داده نمی‌شود، مگر اعطایی بی حساب.

خداوند فقط در آیه فوق به صابران وعده اجر بدون حساب داده است که البته در آیه شریفه «صابران» مطلق ذکر شده و به صبر در اطاعت و یا صبر در ترک معصیت و یا صبر بر مصیبت مقید نشده و مشمول همه‌ی صابران می‌باشد.

۷-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «اجر» با «العالمین»

صفت «العالمین» از ریشه «عَمَل»؛ (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۴/۱۴۵)، اسم فاعل از ریشه عَمِلَ (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲/۱۵۳) به معنی هرفعلی و کاری که با قصد، از جاندار سربرزند گاهی واژه عمل در کارهای صالح و ناصالح هردو به کار می‌رود، در آیات: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (بقره: ۲۲۷) و ﴿مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْرِيهِ﴾ (نساء: ۱۲۳).

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ، أُولَٰئِكَ جَزَاءُكُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ؛ و آنان که چون کار زشتی مرتکب شوند یا بر خود ستم ورزند، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان آمرزش خواهند؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و دانسته و آگاهانه بر آنچه مرتکب شده‌اند، پافشاری نمی‌کنند، پاداش آنان آمرزشی است از سوی پروردگارشان، و بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودان هستند؛ و پاداش عمل‌کنندگان نیکوست﴾ (آل عمران: ۱۳۶-۱۳۵).

این آیات به توبه‌کنندگان مژده رحمت، آمرزش و بهشت به آنان می‌دهد. صاحب تفسیر تسنیم می‌نویسد: «معنای عبارت «نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ» یا این است که آنان از بهترین پاداش عمل‌کنندگان بهره‌مند می‌شوند؛ یا اینکه غفران الهی بهترین پاداش عمل‌کنندگان است که در این صورت، مخصوص به مدح، محذوف است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۵/۵۷۷). توکل هم نوعی رابطه فرد با خداوند است که در آن فرد با توجه به اعتقادی که به حکمت، قدرت خداوند دارد در تمام امور حضور خدا را در نظر گرفته و از او استمداد می‌طلبد.

فرد متوکل ضمن استفاده از امدادهای الهی از نتایج مثبت توکل از جمله پاداش اخروی هم بهره‌مند می‌شوند. همان‌طور که در قرآن آمده است: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند حتماً آنان را در قصرهایی رفیع و بارز از بهشت که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، جای خواهیم داد، در آنجا جاودان هستند؛

چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان، همانان که [برای حفظ ایمان، اخلاق و عمل صالح] شکیبایی ورزیدند و همواره بر پروردگارشان توکل می‌کنند ﴿عنکبوت: ۵۸-۵۹﴾.

با بررسی آیات اجر مشاهده گردید که در آیه از عمل کردن سخن به میان آمده است که از بررسی اختتام با متن آیات این نتیجه حاصل شد که خداوند به ایمان‌آوردندگان، عمل‌کنندگان به صالحات و توکل‌کنندگان پاداش نیکو می‌دهد که این پاداش بهشت‌های است که زیر آنها نهرهای جاری است.

۸-۱-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «أجر» با «المؤمنین»

واژه «المؤمنین»؛ اسم فاعل جمع مذکر سالم از باب افعال ریشه «أمن» در مقابل خوف و ترس (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۸/۳۸۸)، به معنا آرامش خاطر و آرامش نفس است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱/۱۵۳). «مؤمن» به صفات خداوند متعال این است که به آنچه به بنده خود وعده ثواب داده ایمان بیاورد (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱/۱۳۵). راغب به معنای امنیت دادن خدا به فرد معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱/۹۰).

واژه «شهید» در لغت به معنی گواه است و در اصطلاح به کسی گویند که در مجرای شهادت قرار گرفته و در راه خدا کشته می‌شود. (طریحی، ۱۳۷۶: ۳/۸۰).

خداوند در سوره آل عمران درباره ثواب شهدا می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند، درحالی‌که خدا به آنچه از بخشش و احسان خود به آنان عطا کرده شادمان‌اند، و برای کسانی که از پی ایشان‌اند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند [و سرانجام به شرف شهادت نایل می‌شوند] شادی می‌کنند که نه بیمی بر آنان است نه اندوهگین می‌شوند، [شهیدان] به نعمت و فضلی از سوی خدا و اینکه خدا پاداش مؤمنان را تباہ نمی‌کند، شادمان و مسرورند ﴿آل عمران: ۱۷۱-۱۶۹﴾.

عبارت «أَجْرُ الْمُؤْمِنِينَ» در آیه فقط از پاداش شهدا سخن به میان آمده است و منظور از

مؤمن همان‌طور که در منابع لغت آمده است؛ امنیت دادن خدا به فرد و نقطه مقابل ترس و خوف و معنا اجر هم باتوجه به آیه نعمت و فضلی از جانب خدا است، بنابراین این نعمت و فضل عبارت می‌شود از اینکه نه خوفی دارند و نه حزنی.

۹-۱-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «أجر» با «المُصلِحین»

واژه‌ی «المُصلِحین»؛ اسم فاعل جمع مذکر سالم از باب افعال ریشه «صلح» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۱۷/۳)، و نقیض فساد است (ابن‌فارس، ۱۳۹۹: ۳/۳۰۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱/۶) (۲۶۶) در موارد زیادی مخصوص از بین رفتن نفرت و کینه از میان مردم می‌باشد.

در فرهنگ اسلامی، اصلاح در مقابل فساد، به معنای انجام کاری است که فساد را برطرف کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾؛ و آنان که به کتاب [آسمانی] چنگ می‌زنند [و عملاً به آیاتش پای بندند] و نماز را بر پا داشته‌اند [دارای پاداش هستند] یقیناً ما پاداش اصلاح‌گران را ضایع نمی‌کنیم. در واقع تمسک به خدا و اقامه نماز اصلاح محسوب می‌شود و در مقابل افساد در زمین است ﴿(اعراف: ۱۷۰).

بنابراین اصلاح‌گران صاحب دو ویژگی؛ یکی اینکه به کتاب خدا تمسک بسته‌اند و دیگر اینکه نماز را برپا می‌دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸/۲۹۹).

به وسیله نماز و خضوع در برابر او دیانت حفظ می‌شود و فرد از فساد به دور می‌باشد؛ کسی که مفسد نباشد مشمول اجر مصلحین می‌شود.

۱۰-۱-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «أجر» با «المُحْسِنین»

واژه «المُحْسِنین»؛ اسم فاعل جمع مذکر سالم از باب افعال ریشه «حسن» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۴۳/۳)، حسن با دو فتحه صفت است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲/۲۲۲) به معنی زیبا و نیکو. «مُحْسِنٌ»؛ نیکوکار، «مُحْسِنِينَ»؛ نیکو کاران و «مُحْسِنَاتٌ» زنان نیکوکار معنا شده و به نظر برخی از ارباب لغت، این اسماء فاعل در قرآن به جای صفت مشبه به کاررفته‌اند و از آن‌ها ثبوت اراده شده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۲/۱۳۶).

طبق گفته علامه طباطبایی رحمته‌الله، بر اساس مفاد آیه ﴿وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُهُ

مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ این گونه یوسف را در [آن] سرزمین مکانت و قدرت دادیم که هر جای آن بخواهد اقامت نماید. رحمت خود را به هر کس که بخواهیم می‌رسانیم و پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کنیم ﴿ (یوسف: ۵۶)، خداوند به حضرت یوسف ﷺ پاداش تمکین داد که در پرتو آن می‌توانست در هر قطعه‌ای از زمین که بخواهد منزل بگزیند این وعده جمیلی است که به هر نیکوکاری می‌دهد، تا بدانند او أجرشان را ضایع نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۱/۱۱).

باتوجه به آیاتی که با ﴿فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ اختتام می‌یابد مشاهده می‌گردد که واژه احسان در این آیات به صورت اسمی هست و بدین معناست که این صفت در فرد تثبیت و جزئی از وجود او گردیده و همیشه با او می‌باشد. در آیات متعددی، تقوا و عمل حُسن با یکدیگر ذکر شده‌اند و متقین با وصف «مُحْسِنِينَ» مطرح گردیده‌اند و بیانگر این مطلب است که اعمال متقین همیشه حُسن و در مرتبه بالایی است و هیچ رفتار ناشایستی از آنان سر نمی‌زند.

#### ۱۱-۱-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «أجر» با شبه جمله «عند رب» یا «عَلَى اللَّهِ»

اسم «عند»؛ ظرف است به معنی قرب و نزدیکی (قرشی، ۱۴۱۲: ۵/۵۶). حرف «عَلَى»؛ از حروف جاره است. طبق آیه شریفه ﴿بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره: ۱۱۲)، پس، تسلیم در برابر خدا و نیکوکار بودن دو ویژگی که سبب بهره‌مندی از اجری که نزد خدا هست، می‌باشند. البته کیفیت این نوع اجر مشخص نیست و خداوند فقط بیان کرده که در نزد خودش است، ظاهراً مراد از این وعده، حتمی بودن یا جاودان بودن اجر است.

#### ۱۲-۱-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «أجر» با «لنا» یا «اتَّخَذَتْ»

فعل «اتَّخَذَتْ» از ماده «اخذ»؛ (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۴/۲۹۸)، به معنا تصرف و به‌دست آوردن است (زاغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱/۶۷). حرف «ل»؛ یکی از حروف عامل در زبان است که معانی مختلف دارد، اول به معنی حرف - جر - و مقصود از آن در آیات بعدی نیز، همین معنا است.

اگرچه کلمه «أجر» در آیه ﴿وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ؛ و جادوگران نزد فرعون آمدند [و] گفتند: آیا اگر پیروز شویم، حتماً برای ما پاداش و مزد قابل توجهی

خواهد بود؟ ﴿(اعراف: ۱۱۳)﴾؛ به معنی هرگونه پاداش است اما با توجه به اینکه به صورت «نکره» است، و نکره در این گونه موارد برای تعظیم و بزرگداشت یک موضوع می‌آید، به معنی اجرو پاداش مهم و فوق‌العاده‌ای است.

سیاق آیه ﴿فَانظَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا آتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا﴾؛ پس [هر دو] به راه افتادند تا هنگامی که به مردم شهری رسیدند، از مردمش خوراک خواستند و آنان از اینکه آن دو را مهمان کنند، خودداری کردند. پس در آن شهر، دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد، پس او آن را [به‌گونه‌ای] استوار کرد [که فرو نریزد]. موسی گفت: اگر می‌خواستی برای تعمیر آن دیوار، مزدی می‌گرفتی [که برای خود خوراک فراهم آوریم]. ﴿(کهف: ۷۷)﴾؛ گواهی می‌دهد که موسی و خضر گرسنه بودند و موسی به او یادآور شد: اگر اجرتی بر کار خویش می‌گرفتی برای ما این امکان فراهم می‌شد که به‌وسیله آن گرسنگی خویش را برطرف کنیم. یکی از معنای اجر، مزد و اجرت در مقابل عملی است که شخص برای فردی انجام می‌دهد، که در آیات فوق منظور از اجر پاداش و مزد دنیوی است.

### ۱۳-۱-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «اجر» با «الآخرة»

واژه «الآخرة» از ماده «اخر» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۳/۴)، نقیض متقدم است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۷۰/۱). «دارالآخرة» یعنی خانه آخرت که حیات ثانوی است؛ همان‌طور که حیات دنیوی و این جهان را به «دارالدنیا»، تعبیر کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۶۸/۱).

خداوند در آیه ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا أَجْرَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾؛ و آنان که پس از ستم دیدنش‌شان برای به‌دست آوردن خشنودی خدا هجرت کردند، یقیناً آنان را در این دنیا در جایگاه و مکانی نیکو جای دهیم، و قطعاً پاداش آخرت بهتر و برتر است، اگر می‌دانستند که دارای چه کمیت و کیفیتی است ﴿(نحل: ۴۱)﴾، اجر جاودان و بدون فنا را فقط به مهاجرین می‌دهد.

## ۲-۴. هم‌نشینی «اجر» با ساختار فعلی

در قرآن شش فعل «آتى، وَفَى، لَاأَسْأَلُكُمْ، جِزَى، تَأْجِرْنِی، اسْتَأْجَرَ» با «اجر» هم‌نشینی شده است.

ردیف	افعال	نوع	تعداد
۱	«آتى» با «أجر»	مفعول به	۲۰
۲	ماده «وفى» با «أجر»	مفعول به	۶
۳	«أجر» با «لَاأَسْأَلُكُمْ»	مفعول به	۱۲
۴	هم‌نشینی «أجر» با «جِزَى»	مفعول به	۴
۵	أجر با ساختار باب استفعال و فعل مضارع	فعل	۲

جدول شماره ۳

ذکر همه‌ی هم‌نشین‌های ساختار فعلی «اجر» و تعداد آن‌ها

### ۱-۲-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «أجر» با فعل «آتى»

فعل «آتى» عطاء کردن (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۸/۱۴۸) و بخشیدن معنا شده است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۵۱/۱). صدقه دادن در قرآن با لفظ ایتاء مخصوص شده است در آیه «﴿قَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ﴾» (بقره: ۲۷۷) از مصدر ایتاء - یعنی دادن، به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۶۱/۱).

خداوند در آیه «﴿... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ؛ ... و از هر کدام از زنان بهره‌مند شدید مهریه او را به عنوان واجب مالی بپردازید﴾» (نساء: ۲۴) ابتدا به معرفی دسته‌ای از زنان که امکان ازدواج با آن‌ها است پرداخته و سپس زوج را به پرداخت مهریه به زوجه مکلف می‌کند. «﴿أُجُورُهُنَّ﴾» تعبیر از عوض به «أجرت» در موردی است که استفاده از عمل در زمان معین رکن عقد قرارداد شود (حسینی همدانی: ۱۴۰۱: ۱۹/۴).

جمله «﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ؛ اگر [پس از جدایی] کودک شما را شیر دادند، اجرتشان را بدهید﴾» (طلاق: ۶) خطاب به مردان است زمانی که همسرانشان نوزاد خود را شیر می‌دهند، مردان مکلف به پرداخت اجرت شیردادن آن‌ها هستند، چون اجرت رضاع در حقیقت



نفقه فرزند محسوب می‌شود و برگردن پدر است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۶/۵). البته اجرت شیر باید با زمان و مقدار شیر دادن برحسب عادت و عرف باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴/۲۴۶). در شش آیه قرآن فعل امر «آتی» با اجر در صیغه جمع مؤنث هم‌نشین شده است که در تمام این آیات به معنای «مهریه» و در آیه ششم سوره طلاق به معنای اجرت و نفقه شیراست.

۲-۲-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «أجر» با فعل «وَقَى»

فعل «وَقَى» از ریشه‌ی «وَفَى» واژه‌ای است که برکامل بودن و تمامیت چیزی دلالت می‌کند. کلمه‌ی وفا نیز به همین مناسبت به معنای اتمام پیمان و عهد و اكمال شرط است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱۲۹/۶). به هر چیزی که به تمام و کامل خود برسد، به طوری که چیزی از آن پیمانه کاست و کم نباشد (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۴۰۹/ - ۴۱۰).

مؤمنانی که به عهدی که با خداوند و رسولش بسته‌اند وفادار می‌مانند از پاداش الهی برخوردار خواهند شد. در سوره فتح آمده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسْئُوتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا؛ به یقین کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند؛ قدرت خدا بالاتر از همه قدرت‌هاست. پس کسی که پیمان می‌شکند فقط به زیان خود می‌شکند، و کسی که به پیمانی که با خدا بسته است وفا کند، خدا به زودی پاداشی بزرگ به او می‌دهد﴾ (فتح: ۱۰) در این آیه خداوند پاداش کسانی که به عهد و پیمان‌های خود به طور کامل عمل کنند و برهمه‌ی عهود خود وفادار بمانند نه اینکه به برخی از آن عهودی که به نفعشان است پایبند مانده جانب دیگر را رها کنند، اجری کامل خواهد بخشید.

۳-۲-۴. هم‌نشینی واژه‌ی «أجر» با فعل «لَا أَسْأَلُكُمْ»

فعل «أَسْأَلُكُمْ» از ریشه «سأل» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۷/۷)؛ به معنی درخواست است مانند: سَأَلَهُ مَالًا؛ خواست از وی مالی (زمخشری، ۱۳۸۶: ۱۸۱). طرف خطاب در آیه ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا؛ بگو: من از شما [در برابر تبلیغ دین هیچ] پاداشی نمی‌خواهم، جز اینکه هر که بخواهد [می‌تواند از برکت هدایت من] راهی به سوی پروردگارش بگیرد﴾ (فرقان: ۵۷)، که به عموم مردم اعلام نماید که غرض از قیام دعوت جهانیان

به خداپرستی آن است که مردم اختیار و به خواست خودشان راه سعادت ببینند بدون اینکه رسول گرامی ﷺ انتظار اجر و پاداش از مردم داشته باشد (حسینی همدانی، ۱۴۰۱: ۱۱/۴۸۹).

در قرآن ۱۲ آیه به ساختار فعلی «لَأَسْئَلُكُمْ» با «أَجْر» ختم می‌شود که در تمامی موارد طرف خطاب پیامبران به قوم خود هستند که ما در مقابل تبلیغ و دعوت هیچ‌گونه پاداشی از شما نمی‌خواهیم پاداش ما در نزد خدا محفوظ است.

#### ۲-۲-۴. هم‌نشینی واژه «أَجْر» با فعل «جَزَى»

فعل «جَزَى» از ریشه «ج زى» است: (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱/۴۴۵) به معنی پاداش نیک و بد (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۶/۱۶۴)، راغب آن را کنایه از «مقابله» (یعنی خوبی در مقابل خوبی، و بدی در مقابل بدی) دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۹۵).

آیه ﴿لِيَكْفُرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ تا خدا [به رحمتش] زشت‌ترین اعمالی که انجام دادند از آنان محو کند، و آنان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می‌دادند پاداش دهد ﴿(زمر: ۳۵) بیان آن است که ایمان به اصول توحید سبب حصول صفا و نورانیت روح و روان خواهد شد و لازم آن، تحکیم رابطه عبودیت است و رفع تیره‌گی و تاریکی است که به وسیله شرک و کفر و ارتکاب گناهان بر روح عارض شده است. و پس از رفع تیره‌گی از روح، مستحق اجر و ثواب می‌شود. خداوند در این آیات و همانندهای آنها به افرادی که عمل صالح داشته باشند وعده پاداش داده است و این حکم کلی برای هر فرد مؤمنی که مقید به عمل صالح است در بر می‌گیرد.

#### ۵-۲-۴. هم‌نشینی واژه ی «أَجْر» با فعل «تَأْجِرُنِي»

فعل «استاجر» از باب استفعال به معنی استخدام کردن، و مزد گرفتن است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۲۷۱)؛ و فعل «تَأْجِرُنِي» فعل مضارع ساده به معنی اجیرکردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۴).

در قرآن ۲ آیه به ساختار فعلی «تَأْجِرُنِي، استاجر» با «أَجْر» ختم می‌شود که توضیحات هر یک خواهد آمد.

خداوند در مقام نقل گفتار یکی از دختران حضرت شعیب رضی الله عنه می‌فرماید: ﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾؛ یکی از آن دوزن گفت: ای پدر! او را استخدام

کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدام می‌کنی آن کسی است که نیرومند و امین باشد [و او دارای این صفات است.] ﴿(قصص: ۲۶).

پروردگار کریم در پرتو آیه شریفه ﴿قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾؛ گفت: می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به نکاح تو در آورم به شرط آن که هشت سال اجیر من باشی، و اگر ده سال را تمام کردی، اختیارش با خود توست [و ربطی به اصل قرارداد ندارد]، و من نمی‌خواهم بر تو سخت گیرم، و به خواست خدا مرا از شایستگان خواهی یافت ﴿(قصص: ۲۷)﴾؛ به این نکته اشاره دارد که: شعیب رضی الله عنه پیشنهادی به موسی رضی الله عنه می‌کند، و آن اینکه خود را برای هشت و یا ده سال اجیر او کند، در مقابل او هم یکی از دو دختر خود را به همسری به عقد وی در آورد، البته این قرارداد عقد قطعی نبوده، به شهادت اینکه شعیب رضی الله عنه معین نکرده که کدام یک از آن دو همسر او باشن؛ و از جمله ﴿إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ﴾؛ یکی از این دو دخترم ﴿برمی‌آید که دختران در آن هنگام حاضر بوده‌اند، و معنای جمله ﴿عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ﴾ این است که: می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به نکاح تو در آورم، در مقابل اینکه تو هم خودت را برای من در مدت هشت سال اجیر کنی (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۲۶). پس تاجرینی به معنی استخدام کردن آمده است.

## ۵. معنایابی واژه‌ی (اجر) بر اساس روابط جانشینی

مقصود از تعبیر «روابط جانشینی» رابطه‌ای است که بین گروهی از اقلام یک طبقه‌ی مشابه که متعلق به هم به نظر می‌رسند وجود دارد و می‌توانند در یک بافت نحوی، جایگزین یکدیگر شوند (باقری، ۱۳۷۶: ۲۳۴). در این نوع از رابطه می‌توان عاملی را به جای عامل دیگر به کار گرفت و چنین نظام زبانی را شبیه به مجموعه عواملی کرد که ارتباط بین آن‌ها از نوع انفصالی است و قادرند در یک بافت به جای یکدیگر بنشینند. البته نباید فراموش کرد که مبنای انتخاب این واژگان بر اساس واژگان اصلی هم‌نشین با واژه‌ی محوری است.

در بررسی روابط معنایی جانشینی به منظور دست یافتن به مراد الهی از «اجر»، باتوجه به

کثرت و تعداد واژگان و مفاهیم هم‌نشین با آن و مشتقاتش و در نظر گرفتن مجال پژوهش، به بررسی نظر برخی از مفسران پرداخته می‌شود.

در میان واژگانی که بیشترین جانشین معنایی را با «اجر» دارند می‌توان به واژگانی همچون «ثواب، جزاء، فوز و خیر» اشاره نمود که در ادامه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ردیف	ریشه قرآنی	تعداد
۱	ثَوْبٌ	۱۰
۲	فُوزٌ	۲۳
۳	خَيْرٌ	۲۱
۴	جَزَى	۳۹

جدول شماره ۴

ذکر همهی جانشین‌های ساختار فعلی «اجر» و تعداد آن‌ها



### ۱-۵. جانشینی واژه‌ی «اجر» با واژه‌ی «ثوب»

ریشه «ثوب»؛ به معنی «العَوْدُ» و «الرجوع» (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱/۳۹۳)، رجوع شیء به محل خود، (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۸/۲۴۶) می‌باشد. ریشه «ثوب» در کل ۲۸ بار در ۱۵ سوره و ۲۳ آیه در قرآن کریم به‌کاررفته که ۱۰ آیه از آن جانشین «اجر» و به معنا پاداش و ثواب هستند. جمله «آمَنُوا وَ اتَّقُوا» در آیه «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ و اگر آنان [از روی حقیقت] ایمان می‌آوردند و [از سحر و جادو] پرهیز می‌کردند، قطعاً پاداشی که از جانب خداست [برای آنان] بهتر بود، اگر می‌دانستند» (بقره: ۱۰۳)؛ شرطیه و بیان حقیقت امر برهانی است که پیروی از حکم تورات و گرویدن به دین اسلام و پرهیز از سحر و جادو سبب سعادت اخروی است (حسینی همدانی، ۱۴۰۱: ۱/۲۷۷).

«ثواب» در لغت به معنای چیزی است که در برابر کارهای انسان به او باز می‌گردد، راغب می‌گوید ثواب در کار خیر و شرّ هر دو به کار می‌رود ولی به‌صورت متعارف و معمولی بیشتر اوقات کلمه «ثواب» برای کار خیر و نیک است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱/۱۷۶) و بر این

معنی در آیات شریفه در رابطه‌ی هم‌نشینی با «آمَنُوا»، «اتَّقُوا»، «عَمِلَ صَالِحًا» و «عِنْدَ رَبِّكَ» آمده است.

## ۲-۵. جانشینی واژه‌ی «أجر» با واژه‌ی «فوز»

ریشه «فوز»؛ به معنی پیروزی با خیر و نجات از شر (فراهِدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷)، دسترسی به خیر و فیض (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۵۵/۹)، پیروزی و ظفریافتن به خیر و نیکی با حصول تندرستی، مانند: «فَارَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب: ۷۱)؛ بی‌تردید رستگاری بزرگی یافته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱/۶۴۷). کلمه «فوز» در کل ۲۹ بار در ۲۱ سوره و ۲۷ آیه در قرآن کریم به‌کاررفته است که در ۲۳ آیه از آن جانشین «اجر» و به معنا پاداش و ثواب است.

استعمال واژه «أجر» در آیه «إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» من امروز آنان را در برابر صبوری که [نسبت به مسخره و خنده شما] کردند پاداش دادم که همه آنان کامیاب هستند ﴿مؤمنون: ۱۱۱﴾ خداوند در آیه ۱۱۱ سوره مؤمنون به این نکته اشاره دارد که یکی از صفات مؤمنان در هر عصر و زمانی، صبور و بردباری در مقابل استهزاء و مضحکه و ایداء و سخریه مخالفین و معاندین است، که با کمال قوت قلب ثبات و استقامت داشته و نامایمات روزگار را تحمل نموده و صبر کردند و در اثر آن، به رستگاری ابدی و فیض سعادت و نجات از عذاب فایز شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵/۱۴۰).

«فُوزًا» از ریشه «فوز» است؛ به معنی پیروزی با خیر و نجات از شر (همان: ۳۸۹/۷) که در رابطه‌ی هم‌نشینی با «مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»، «آمَنُوا وَ هَاجَرُوا»، «جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، «صَبَرُوا» و «الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ» آمده است.

## ۳-۵. جانشینی واژه‌ی «أجر» با واژه‌ی «خیر»

ریشه «خیر» (فراهِدی، ۱۴۱۴: ۳۰۱/۴) به معنی چیزی که همه‌کس به آن راغب می‌شوند. خیر اگر صفت مرد و زن باشد به معنی با فضیلت در خوبی‌ها است، مخالف شر است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲/۲۳۲)، مصطفوی «خیر» را به معنی انتخاب ترجیح آن بردیگری معنا کرده است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳/۱۵۹).

کلمه «خیر» در کل ۱۹۶ بار در ۵۵ سوره و ۱۷۸ آیه در قرآن کریم به کار رفته است که در ۲۱ آیه از آن جانشین «اجر» و به معنا پاداش و ثواب است. مفاد جمله شرطیه در آیه «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ و اگر آنان [از روی حقیقت] ایمان می آوردند و [از سحر و جادو] پرهیز می کردند، قطعاً پاداشی که از جانب خداست [برای آنان] بهتر بود، اگر می دانستند» (بقره: ۱۰۳)؛ مبنی بر نصیحت و پند یهود است که اگر ایمان آورند و تقوا پیشه کنند و دین اسلام را بپذیرند به سعادت نائل خواهند شد و هر درجه از ثواب و پاداش ایمان به دین اسلام و پرهیز از عمل سحر برای یهود بهتر است.

خیر از ریشه «خری» است؛ خیر اگر صفت مرد و زن باشد به معنی فضیلت در خوبی‌ها است (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۱/۴) که در رابطه‌ی هم‌نشینی با «آمَنُوا»، «اتَّقُوا»، «جاهدُوا»، «اعْبُدُوا اللَّهَ»، «مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ»، «عِنْدَ اللَّهِ»، «تَطَوَّعَ» و «تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ» آمده بود.

#### ۴-۵. جانشینی واژه‌ی «اجر» با واژه‌ی «جزی»

ریشه «جزی»؛ به معنی مجازات و پاداشی است که در مقابل کار ناپسند و پسندیده داده می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۶۴/۴) یعنی نتیجه با خود عمل برابر است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸۴/۲). راغب آن را در اصل بی‌نیازی و کفایت هم معنا کرده و می‌گوید: «پاداش را جزاء گویند چون از حیث مقابله و برابری در آن کفایت هست» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۹۶). کلمه «جَزَى» در کل ۱۱۸ بار در ۴۷ سوره و ۱۰۹ آیه در قرآن کریم به کار رفته است که ۳۹ آیه از آن جانشین «اجر» و به معنا پاداش و ثواب هستند.

خداوند می‌فرماید «وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ و هیچ مال کوچک و بزرگی را هزینه نمی‌کنند و هیچ سرزمینی را [برای نبرد با دشمن یا انجام کارخیری] نمی‌پیمایند مگر آن که در پرونده اعمالشان ثبت می‌شود، تا خدا آنان را به بهتر عملی که همواره انجام می‌دادند، پاداش دهد» (توبه: ۱۲۱).

افرادی که هیچ مال کم یا زیادی را در مسیر جهاد، انفاق نمی‌کنند و هیچ سرزمینی را برای رسیدن به میدان جهاد و یا به هنگام بازگشت زیر پا نمی‌گذارند، مگر اینکه تمام این گام‌ها، و آن

انفاق‌ها، برای آن‌ها ثبت می‌شود، تا سرانجام خداوند این اعمال را به‌عنوان بهترین اعمالشان پاداش دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸/۱۸۷).

جزاء از ریشه «جزی» است؛ به معنی مجازات و پاداشی که در مقابل کار ناپسند و پسندیده داده می‌شود (همان: ۱۶۴/۶) یعنی نتیجه با خود عمل برابر است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲/۸۴) و «جزاء» چنان‌که گفته شد درباره پاداش و کیفر هر دو به کار رفته است ولی «اجر» تنها در پاداش استعمال گردیده (قرشی بنایی ۱۴۱۲: ۲/۳۵-۳۷) که در رابطه‌ی هم‌نشینی با «عَمَلٍ صَالِحًا»، «أَمَنَ»، «الإِحْسَانِ»، «جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ» و «أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا» آمده بود.

### نتیجه‌گیری

معناشناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به تحلیل واژه‌ها و جملات یک متن می‌پردازد. اما معناشناسی تنها به بررسی واژگان محدود نمی‌شود؛ بلکه روابط میان کلمات و معانی آن‌ها را نیز تحلیل می‌کند. از این رو، دانش معناشناسی نقش مهمی در فهم متون مقدس مانند قرآن کریم ایفا می‌نماید. در این تحقیق، تعریف «اجر» در آیات قرآن بررسی و زیرشاخه‌های آن طبق صریح آیات قرآن، از منظر هم‌نشینی و جاننشینی، تحلیل شده است.

مطالعه هم‌نشینی‌های واژه «اجر» نشان می‌دهد که ۶۶ واژه به‌صورت اسمی با آن هم‌نشینی هستند که پربسامدترین آن‌ها «أَجْرٌ عَظِيمٌ» است که به ایمان و عمل صالح اشاره دارد. در تمامی آیات، «اجر» با هم‌نشینی‌های مختلف به موضوعاتی نظیر ایمان، عمل صالح، تقوا، صبر، وفای به عهد، و توبه مرتبط شده است، که از این میان، ایمان و عمل صالح در تمام آیات به‌طور مکرر آمده‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت که هر مرتبه‌ای از ایمان و عمل صالح منجر به بهره‌مندی از پاداش الهی می‌شود. به عبارت دیگر، ایمان و عمل صالح مراتبی دارند که هر مرتبه، پاداش خاصی را به دنبال دارد. به‌عنوان نمونه، پرداخت زکات که نوعی عمل صالح است، سبب بهره‌مندی از «أَجْرٌ غَيْرَ مَمْنُونٍ» می‌شود و انفاق، که شکل دیگری از عمل صالح است، موجب دریافت «أَجْرٌ كَبِيرٌ» می‌گردد. در دو آیه نیز به فضیلت صبر اشاره شده است؛ یکی به صبر در برابر مصائب و سختی‌ها که نتیجه آن «أَجْرٌ كَبِيرٌ» است و دیگری به صبر مطلق (در معصیت، مصیبت و طاعت) که نتیجه آن «أَجْرٌ بَعِيرٌ حَسَابٌ» است.

مطالعه جانشین‌های واژه «اجر» نشان می‌دهد که این واژه در کاربرد قرآنی ۴ جانشین دارد که واژه «جَزَى» پربسامدترین و مهم‌ترین آن‌هاست. البته برخلاف «اجر»، جانشین‌های آن هم در معنای پاداش و هم مجازات به کار می‌روند. در این مقاله تنها به مواردی پرداخته شده که معنای پاداش داشته و هم‌نشین با عمل نیک برای خداوند هستند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که «اجر» در ساختار اسمی و فعلی خود به معنی دریافت پاداش در قبال عمل است و این معنی در تمامی آیات قرآنی که به «اجر» و جانشینان آن اشاره دارند، مشهود است. پاداش در مقابل عمل پسندیده انسان، اگر با ایمان به خدا همراه باشد، شامل پاداش الهی است؛ البته این پاداش با توجه به مراتب ایمان هر فرد متفاوت است. اگر عمل نیک در حق مردم باشد، مانند شیردادن مادر به فرزند، مستحق دریافت اجرت است. همچنین در برخی از مشتقات فعلی مانند «تَأْجُرْنِي» و «اسْتَأْجِرُهُ»، ریشه «اجر» به معنای استخدام و اجیر کردن به کار رفته که نشان‌دهنده استحقاق فرد برای دریافت مزد در قبال انجام وظایف مشخص است.



## کتابنامه

قرآن کریم (۱۳۸۸). ترجمه حسین انصاریان، قم، اسوه.

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، چ ۱، بیروت، دارصادر.
۲. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۱). *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، چ ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۳. باقری، مهری (۱۳۷۴). *مقدمات زبان‌شناسی*، چ ۳، تبریز، دانشگاه تبریز.
۴. پالمر، فرانک رابرت (۱۳۶۶). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کورش صفوی، چ ۱، تهران، نشر مرکز.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). *تسنیم تفسیر قرآن کریم*، تحقیق حیدر علی ایوبی، حسین اشرفی، محمد فراهانی، چ ۲، قم، اسراء.
۶. حسینی همدانی، سیدمحمد (۱۴۰۱). *تفسیر انوار درخشان قرآن*، تحقیق محمدباقر بهبودی، چ ۱، تهران ۷ لطفی.
۷. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۰۴). *المفردات فی غریب القرآن*، چ ۲، قم، دفتر نشرالکتاب.
۸. زمخشری، محمودبن عمر (۱۳۸۶). *مقدمه الأدب*، چ ۱، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۹. زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، تصحیح مصطفی حسین احمد، چ ۳، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۰. سبزیان مراد آبادی، سعید (۱۳۸۸). *فرهنگ نظریه و نقد ادبی واژگان ادبیات و حوزه‌های وابسته*، چ ۱، تهران، مروارید.
۱۱. شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸). *مبانی معناشناسی نوین*، چ ۲، تهران، سمت.
۱۲. صادقی، افلاطون (۱۳۹۵). «حوزه معنایی واژه «عقل» در قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب‌قیم، سال ۶، شماره ۱۴، ص ۷-۲۷.
۱۳. صفوی، کوروش (۱۳۹۵). *درآمدی بر معناشناسی*، چ ۳، تهران، سوره مهر.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *تفسیرالمیزان*، چ ۲، لبنان، موسسه الاعلمی

- للمطبوعات.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *تفسیر مجمع البیان*، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی، چ ۳، تهران، ناصر خسرو.
۱۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۶). *مجمع البحرین*، تحقیق احمد حسینی، چ ۳، تهران، مرتضوی، طراوت.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح احمد حبیب عاملی، چ ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد بن عمرو بن تمیم (۱۴۰۴). *العین*، تحقیق مهدی مخرومی، ابراهیم السامرائی، چ ۱، قاهره.
۱۹. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۹). *بیولوژی نصر*، چ ۲، تهران، سازمان انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. قرشی بنایی، سید علی اکبر (۱۴۱۲). *قاموس قرآن*، چ ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. مختار عمر، احمد (۱۳۸۶). *معناشناسی*، ترجمه سید حسن سیدی، چ ۲، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۲۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، چ ۱۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. نعیم امینی، ام سلمه (۱۳۸۸). «*معناشناسی قلب در قرآن کریم*»، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.